



۲۰۲۱/۱۰/۱۷



خلیل الله معروفی

## سه نکته از سه مطلب

در صفحه دیروز، پانزدهم اکتوبر ۲۰۲۱، کامنتی را منتشر کردم با عنوان "چند خُرده بر چند مطلب عزیزان". دوست بزرگوار و واجب الاحترامی، که این کامنت را پسندیده بودند، از طریق تلفون فرمودند، که کاش آن را در کسوت مقاله نشر می‌کردم تا پاینده و ماندگار میشد و از نظر طیف بزرگتر خوانندگان میگذشت. اینک فرمایش آن عالیجناب را پذیرفته و آن کامنت را با علاوه کردن اضافات در هیئت یک مقاله کوتاه درآورده و تقدیم علاقه‌مندان ارجمند صفحه معرّز و محبوب "آریانا افغانستان آن‌لاین" میکنم - بدون این، که صبغت سخن را تغییر بدهم.

بعد از غیابت چند هفته ئی ازین کلکین، باز "کله‌کشک" کرده و ضمن این کامنت ایراداتی را بر مطالب منتشره و طن‌داران عزیزم، وارد میکنم - ولو در لباس طنز و "ثوق و مزاق":

۱- دوست و برادر دانا و توانایم، جناب "عارف جان عباسی"، زیر عنوان «اظهارات انتونی گوترش دبیر کل سازمان ملل متحد»، سخنان نابی را به میدان انداخته اند - ولی افسوس، که در عوض کلمه زیبا و صاف و پاکیزه "سرمنشی"، اصطلاح معمول ایرانی "دبیر کل" را استعمال کرده اند. در ادبیات مطبوعاتی خود ما در افغانستان، کلمات و اصطلاحاتی به کار رفته اند، که از بسا جهات بر ترکیبیات ساخت ایران رُحان دارند. بر حسب مثال:

- ما مردم افغانستان "مدیر عمومی" می‌گوئیم و ایرانیان "مدیر کل" گویند

- ما "جنگ عمومی اول و دوم" گوئیم و ایرانیان "جنگ جهانی اول و دوم" گویند

- ما "سرمنشی ناتو" و "سرمنشی ملل متحد" می‌گوئیم و ایرانیان "دبیر کل ناتو" و "دبیر کل ملل متحد" گویند

- ما "اردو" و "لوی درستیز" و "قومندان" و "... می‌گوئیم و ایرانیان "ارتش" و "رئیس ستاد کل" و "فرمانده" و ... گویند

- ما مردم "جلسه و خاص و پوهنتون و شفاخانه و محکمه و ... می‌گوئیم و ایرانیان "نشست و ویژه و دانشگاه و بیمارستان و دادگاه و ... گویند

با "تهاجم فرهنگی ایران" چه بسا لغات و ترکیبیات قشنگ و رسای خود ما، که پشت پای زده شده و به جای آنها ترکیبیات ملوث و مبتذل فارسی ایران بر ما نافذ ساخته شده اند!!!

امید است، که "ز عمای امارت اسلامی" همان قسمی، که قصه بسا چیزها را مفت ساخته اند، درین زمینه خاص و حادّ و حیاتی افغانستان هم توجه جدی کرده و قصه "تهاجم فرهنگی ایران" را نیز مفت بسازند!!!

اگر عزیزان خواسته باشند، با کمال میل حاضر در زمینه هر یکی از این مثالها و هزاران مثال دیگر، با ایشان وارد بحث شوم، چنان، که ضمن چندین صد مقاله ام در پورتال معظم و آزاده "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" و صفحه معزز و محبوب "آریانا افغانستان آنلاین"، به صورت تحلیلی و مستند بدین مهم پرداخته ام!!! در همین زمینه خاص به زودی مقاله مبسوطی تقدیم خواهم کرد.

۲ - مقاله خواهر ارجمند و گرامیم، خانم "لینا جان روزبه حیدری"، را مرور کردم و حیف دانستم، که ایشان زیر نام "دفاع از زن"، بر "جنس مرد" می‌تازند و بر مردان جفائی نابخشودنی رواء میدارند. برای دفاع از "زن" و حقوق "زنان"، هزاران نکته ناب و ناگفته و ناسفته موجود است، که با گفتن و شگافتن آنها میتوان حق مطلب را اداء کرد، بدون این، که بر "مردان" توهین صورت بگیرد!!!

معمولاً و "کلیشه‌وار" می‌گویند، که "زن نصف جامعه را تشکیل میدهد"؛ من مگر می‌گویم و استدلال می‌کنم، که "زن" تشکیل دهنده "کُلّ جامعه" است، چون:

- اولاً از نگاه ریاضی و احصائیه، نصف نفوس جامعه - و حتی بیشتر از آن - متشکل از "جنس زن" است - ولی نصف دیگر جامعه، که متشکل از "جنس مرد" است، پرورده دامن و دستان مبارک "زنان" است. "مردان" چیز دیگری نیستند، جز "دست پروردگان زنان" و یا "شاگردان وفادار زنان"!!! پس اگر از انصاف نگذریم، باید از دل و جان و با تمام وجود خود اقرار کنیم و به زبان حال و قال بگوئیم، که "زنان" کُلّ جامعه را در تمام جهان تشکیل میدهند!!! مطالب درین زمینه کوت کوت و پُشته پُشته و خروار خروار موجود است، که میتوان با تمسک به آنها از موجود مبارک و مقدسی به نام "زن" دفاع کرد!!!

بر "طالبان کرام" و زعمای فعلی سرزمین عزیز و مقدسی به نام "افغانستان" است، تا این واقعیت و حقیقت انکارناپذیر را دریابند و با تمام خضوع در پیشگاه معظم "زنان" سر تعظیم خم کرده و ازین بیشتر حقوق حقه زنان و دختران را نادیده نینگارند و پایمال نکنند:

- بکوشند درک جدیدی از انسان حاصل کنند و "زن" و "مرد" را همان سان، که دستگاه خلقت اراده کرده است، درک کنند!!!

- بکوشند صفوف و تشکیلات خود را با حضور پُر جوش و خروش "زنان"، تکمیل کنند!!!

- بر "زنان افغان" است، که دست از طلب ندارند، تا کام بر خقشان برآید!!!

- طالبان هیچ راه دیگری غیر ازین ندارند، اگر میخواهند برای افغانستان زجرکشیده و مردم هر دم شهید آن مصدر خدمت شوند!!!

۳ - پارچه زیبایی از جناب "داکتر محمد شعیب مجددی" زیر عنوان "انسان" در صفحات "افغان جرمن آنلاین" و "آریانا افغانستان آنلاین" منتشر گشته است، که از نگاه مفهوم قابل وقع و هرگونه توصیف و ستایش است، ولی هزاران حیف:

ولی هزاران حیف، که جنابشان مراتب عروضی را در شعر خود مُراعات نکرده اند!!! میتوانم ادعاء کنم، که اکثریت مطلق مصراعهای این شعر زیبا، بدون رعایت موازین عروضی سروده شده است!!! کاش ایشان این مطلب ارزنده را در قالب "غیر عروضی" و به صورت "شعر آزاد" پیش میکشیدند!!!

این پارچه در واقع به اقتفاء یا به استقبال از شعر مشهوری با مطلع "باران، که شدی مپرس در خانه کیست" سروده شده است. منظومه "باران، که شدی ... " در ذات خود در وزن معروف "رباعی" انشاد شده است، که معمولاً با وزن مشهور "لا حَوْلَ و لا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ" پیمایش و تقطیع میگردد ....

"عفو تقصیرات" باشد، اگر ضمن این سه پراگراف، گستاخی بی از قلم بدقلم سر زده است!!!  
با عرض محبت فراوان او په درناوی

(خلیل الله معروفی - جرمنی - ۱۶ اکتوبر ۲۰۲۱)



برای مطالب دیگر خلیل الله معروفی روی عکس کلیک کنید

